

# ریشه‌های عربی و معادل‌هایی برای قاموس‌های کتاب مقدس (۱)

۴۴-۳۷

لوتار کوفف

Lothar Kopf, 1917-1964

گزارش و تکمله حیدر عیوضی  
عضو پژوهشگاه تفسیر، پژوهشگاه قرآن و حدیث قم

Arabische Etymologien und Parallelen zum Bibelwörterbuch  
(Arabic etymologies and parallels to the Bible Dictionary)

By: Lothar Kopf

Translated by: Heidar Eivazi

**Abstract:** The author of the article has attempted to translate parts of Lothar Kopf's essay in order to review some of his linguistic findings. To select the right entries from the article, the author has taken in to consideration to choose the ones which are relevant to the comparative studies of the Qur'an and the Torah, and hence of great importance to the academic community of the country. In addition to this, in order to better explain and reflect Lothar Kopf's research and findings, he added more evidence of the Quran and Arabic/Persian texts.

**Key words:** Holy book, Lothar Kopf, linguistic, Sami, Hebrew, Arabic, Persian, the Quran, Torah, Bible.

المجذور العربیة وبعض المرادفات لقوامیس الكتاب المقدس (۱)

الخلاصة: يقدم الكاتب في المقال الحالي ترجمة لبعض المقاطع من مقالة لوتار كوفف، محاولاً من خلالها أن يتناول بعضاً من اكتشافاته اللغوية. وقد سعى الكاتب عند انتخابه لمداخل مقالته أن تكون مقاطع مقالته مفيدة للأوساط العلمية في البلاد في دراساتها المقارنة بين القرآن والتوراة. وانسجماً مع رغبته في مزيد التبيين والتوضيح لتحقيقات واكتشافات لوتار كوفف أشار الكاتب إلى أمثلة أخرى من القرآن والنصوص العربية والفارسية لتضاف بدورها إلى تلك التي ذكرها المؤلف سابقاً.

المفردات الأساسية: الكتاب المقدس، لوتار كوفف، علم اللغة، اللغات السامية، العبرية، اللغة العربية، اللغة الفارسية، القرآن، التوراة، الإنجيل.

**چکیده:** نویسنده در نوشتار حاضر به ترجمه بخش‌هایی از مقاله لوتار کوفف اقدام کرده است تا از این رهگذر، به مرور برخی یافته‌های زبان‌شناسی وی بپردازد. نویسنده در انتخاب مداخل‌های مقاله توجه داشته است که بخش‌هایی از مقاله که برای مطالعات تطبیقی قرآن و تورات برای جامعه علمی کشور درخور توجه باشد، انتخاب شوند. علاوه بر این، در راستای تبیین و انعکاس بهتر تحقیقات و یافته‌های لوتار کوفف، شواهد بیشتری از قرآن و متون عربی فارسی نیز بدان افزوده است.

**کلیدواژه:** کتاب مقدس، لوتار کوفف، زبان‌شناسی، زبان‌های سامی، عبری، زبان عربی، زبان فارسی، قرآن، تورات، انجیل.



## درآمد

آقای لوتار کوپف تحصیلات دانشگاهی خود را با ریاضیات آغاز کرد، سپس به مطالعه زبان شناسی تطبیقی زبان های سامی، به طور خاص عبری. عربی روی آورد. تحلیل های او در تأثیر متقابل عبری و عربی مورد توجه زبان شناسان معاصر بوده است؛ برای مثال در دانش نامه الهیاتی عهد عتیق<sup>۱</sup> که مهم ترین قاموس زبان شناسی تورات عبری در حال حاضر محسوب می شود،<sup>۲</sup> به آراء وی ارجاع داده می شود.<sup>۳</sup> این پژوهشگر توانمند در ۴۷ سالگی، یعنی در اوج پختگی علمی و توانایی های زبان شناسی دیده از جهان فرویست. برخی از مقالات ایشان عبارتند از:

۱. تأثیرات الهیاتی بر فقه اللغة عربی در دوره میانه<sup>۴</sup>
  ۲. ریشه شناسی عربی و معادل هایی برای قاموس های کتاب مقدس [۱]<sup>۵</sup>
  ۳. ریشه شناسی عربی و معادل هایی برای قاموس های کتاب مقدس [۲]<sup>۶</sup>
  ۴. قاموس های عربی به مثابه ابزار کمکی در فرهنگ نگاری عبری<sup>۷</sup>
  ۵. برخورد با واژگان دخیل در واژه شناسی عربی دوره میانه<sup>۸</sup>
- کوپف، به ترجمه متون کلاسیک ادبی. علمی نیز علاقمند بوده، از جمله:
- الف) ترجمه عیون الأخبار ابن قطیبه (۲۷۶ق / ۸۸۵م) به سال ۱۹۴۹م در پاریس منتشر شد.

ب) ترجمه کتاب الحیوان<sup>۹</sup> اثر جاحظ (۲۵۵ق / ۸۶۹م)، در سال ۱۹۵۳م  
 ج) بخش جانورشناسی کتاب الإمتاع و الموائسة، اثر ابو حیان توحیدی (۴۱۴ق / ۱۰۲۳م)  
 که به سال ۱۹۵۶م منتشر شد.<sup>۱۰</sup>



لوتار کوپف ז"ל  
 23.8.1964 — 23.9.1917 פייסקרטשאם — ירושלים

1. *Theological Dictionary of the Old Testament*

۲. برای معرفی تفصیلی از این قاموس رک به: مقاله «تحولات در دانش ریشه شناسی تورات عبری از گزنیوس تا ریگرن» در ایرانشهر امروز، شماره ۶، ص ۹۳.۸۲.

۳. از جمله رک به:

v. 11, p. 254

v. 15, p. 98

v. 15, p. 350

4. "Religious Influences on Medieval Arabic Philology", *Studia Islamica*, No. 5 (1956), pp. 33- 57.

5. "Arabische Etymologien und Parallelen zum Bibelwörterbuch", *L. Kopf, Verus Testamentum*, vol. 8, Fasc. 2 (Apr.1958), pp. 161- 215.

6. "Arabische Etymologien und Parallelen zum Bibelwörterbuch", *L. Kopf, Verus Testamentum*, vol. 9, Fasc. 3 (Jul., 1959), pp. 247- 284.

7. "Das Arabische Wörterbuch als Hilfsmittel für die Hebräische Lexilographie", *Vetus Testamentum*, VI (1956), pp. 286 – 302.

8. "The Treatment of Foreign Words in Mediaeval Arabic Lexicology", *Scripta Hierosolymitana*, IX (1961), pp. 191- 205.

9. *The Uyun al-Akhbar: the natural history section from a 9th century "Book of useful knowledge"*, Leiden: Brill, 1949.

10. The "book of Animals" (kitab Al-hayawan) of Al-Jahiz.

11. *The Zoological Chapter of the Kitāb al-Imtā' wal-Mu'ānasa of Abū Ḥayyān al-Tawhīdī (10th Century)*, L.

مجموعه مقالات فوق به همراه دیگر مقالات عبری این نویسنده به همت آقای گوشن گوتشتاین<sup>۱۲</sup> به صورت یک کتاب ذیل عنوان بررسی‌هایی در باب قاموس نگاری عربی - عبری<sup>۱۳</sup> به سال ۱۹۷۶ م منتشر شده است.

اما در رابطه با مقاله حاضر ذکر چند نکته مقدماتی ضروری می‌نماید. به دلایل متعددی به جای ترجمه کامل، به گزینش بخش‌هایی از آن متمایل شدم. مهم‌ترین ملاک در انتخاب مدخل‌های این مقاله مواردی بودند که به نظر می‌رسید برای مطالعات تطبیقی قرآن و تورات برای جامعه علمی کشور درخور توجه باشد. علاوه بر این، در انعکاس بهتر تحقیقات پرفسور کوپف، شواهد بیشتری از قرآن، متون عربی - فارسی نیز افزودیم. تنها ملاک در این افزوده‌ها تبیین بهتر یافته‌های لوتار کوپف در زبان فارسی بوده است. هر چند این اضافات به سادگی قابل تشخیص نیست و تنها در مقایسه با متن اصلی نمایان می‌شود، باید تأکید کنم که هیچ‌یک از آنها در نتیجه‌گیری نویسنده تأثیر منفی نداشته که در تکمیل آن بوده است.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه مباحث آقای کوپف بسیار فنی و موجز است، ترجمه کامل آن با توجه به پیشینه کم این موضوع در فارسی دشوار می‌نمود. تا جایی که اطلاع دارم، نوشته حاضر نخستین تلاش در توجه به تحقیقات این زبان‌شناس است که به فارسی ارائه می‌شود. با این امید که گامی مؤثر در توجه دادن به اهمیت فراگیری زبان‌های سامی از جمله عبری در فهم عمیق تر زبان عربی به شمار آید. در نهایت، مشخصات نشر اصل مقاله چنین است:

“Arabische Etymologien und Parallelen zum Bibelwörterbuch”, L. Kopf, *Verus Testamentum*, vol. 8, Fasc. 2 (Apr. 1958), pp. 161- 215.

وی در سال بعد، یعنی ۱۹۵۹، مقاله مفصل‌تر دیگری نیز با همین عنوان منتشر کرد که ادامه همین موضوع به شمار می‌رود. امیدوارم به زودی ترجمه بخش‌هایی از آن نیز در اختیار خوانندگان گرامی قرار بگیرد. اکنون برخی از یافته‌های زبان‌شناسی آقای لوتار کوپف را مرور می‌کنیم:

### أَمَرَ لَوْ / amar lô / أمر له بـ

عبارت «آذوقه‌ای به او داد» در اول پادشاهان ۱۱: ۱۸ ترجمه تحت‌اللفظی متن عبری نیست، بلکه برگردان یک اصطلاح است: **וְלָקַח אִמָּר לֹו / velehem amar lô**; این تعبیر با یک اصطلاح متداول در زبان عربی مطابقت دارد: «أمر له بـ» که در هنگام عطا کردن و بخشیدن چیزی به کسی به کار می‌رود. چنین می‌نماید که در هر دو زبان یک مصدر در تقدیر است. به این ترتیب، این اصطلاح این‌گونه «دستور (اعطاء) آذوقه‌ای را به او داد» فهمیده می‌شود؛ زیرا فعل **أمر / أمر** در هر دو زبان به معنای گفتن / دستور دادن است. بنابراین در ترکیب‌های عبری / عربی بالا فعل «دادن» در تقدیر است.

برخی از شواهد عربی آن چنین است: «أمر له بعشرة آلاف درهم»،<sup>۱۴</sup> «و فی حدیث عدی بن حاتم أنه لما أتى النبي، أمر له بمِنْدَةَ [بالش]»،<sup>۱۵</sup> «فاستحسن الخليفة... وأمر له بجائزة حسنة»<sup>۱۶</sup> و فی الحدیث: «أمر له بتخت ثياب».<sup>۱۷</sup>

### بَدَأَ / bd' / بدأ

«بدأ» در عربی به معنی «انجام یک شیء برای بار نخست»؛ یعنی بدون پیشینه و سابقه‌ای است: «بَدَأَ الشَّيْءَ يَبْدَأُ:

Kopf, Osiris, Vol. 12, (1956), pp. 390- 466, The University of Chicago Press.

12. M. H. Goshen Gottstein

13. *Studies in Arabia and Hebrew lexicography*, Lothar Kopf; edited by M. H. Goshen-Gottstein, with the assistance of S. Assif. Jerusalem:

Magnes Press, Hebrew University, 1976.

۱۴. أزهری، تهذیب اللغة، ج ۱، ص ۱۵.

۱۵. همو، ۱۴۲۱، ج ۱۴، ص ۳۱۸.

۱۶. یاقوق حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۳۹.

۱۷. طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۹۵.

آی یفعله قبل غیره».<sup>۱۸</sup> این فعل در توصیف افعال خدا به معنی «آفرینش» است:  
و بدأ خَلَقَ الإنسان من طين». (سجده: ۷)

از معانی آن «آغاز، ابتدا» نیز است:

فِي الْبَدءِ كَانَتْ فَاطِمَةُ / وَ بَعْدَهَا جَاءَتْ عناصر الأشياء / النار والتراب / والمياه والهواء ...<sup>۱۹</sup>

علاوه بر شباهت فونتیکی، مفهومی و رابطه خویشاوندی میان «بدأ» و «بَدَع» در عربی، مشتقات زیادی از این ریشه در معنای «نوآوری، تجدد» وجود دارد. در این رابطه به طور خاص باید به کلمه «بدعة / بدعت» به معنای نوآوری یا ایده‌ای که با سنت و دیدگاه دینی پذیرفته شده در تعارض باشد، اشاره کرد. با این توضیح، این معنی اخیر (مستفاد از بدعة) برای ریشه bd' / ٤٦٦ در وهله نخست کاربرد عبری قرار دارد. [با در نظر گرفتن این نکته که در عبری ریشه ٤٦٦ / bd' یعنی با حرف «عین: لا / ayen» به کار نرفته است] به دو کاربرد آن در تورات عبری توجه کنید:

الف) «در ماهی که [یربعام] ابداع نموده بود bd' / ٤٦٦». (اول پادشاهان ۱۲: ۳۳)

این عبارت به واقعه‌ای در سفر اول پادشاهان ۱۲: ۲۵-۳۳ با عنوان «گوساله طلایی یربعام» اشاره دارد. کوتاه آنکه، بعد از فوت سلیمان قلمرو او بین رحبعام (فرزندش) و یربعام (از سرلشگریان سلیمان) تقسیم شد. از آنجایی که معبد سلیمان در قلمرو رحبعام قرار داشت، رقیب او، یربعام با خود اندیشید اگر اهالی سرزمین من برای گذراندن قربانی به خانه خدا در اورشلیم بروند، به لحاظ عاطفی دل ایشان به رحبعام متمایل خواهد شد و از من روی برمی گردانند. به این ترتیب «دو گوساله ساخت یکی را در بیت‌ئیل و دیگری را در دان قرار داد و در کنار آنها مذبح بنا نمود و کاهنانی برای آنجا معین کرد و به بنی اسرائیل گفت: «رفتن به اورشلیم برای شما زحمت است؛ اینها خدایان شما هستند که شما را از اسارت مصر نجات دادند!». از این رو او یک بدعتی در دین گذاشت.

به این ترتیب به نظر می‌رسد ترجمه عبارت اول پادشاهان ۱۲: ۳۳ در فارسی به صورت «در ماهی که یربعام بدعت نهاده بود» درست‌تر باشد.

ب) [ترجمه قدیم]: «بلکه آن را در دل خود ابداع نمودی bd' / ٤٦٦». (نحمیا ۶: ۸)<sup>۲۰</sup>

این عبارت نیز بخشی از پاسخ نحمیا<sup>۲۱</sup> به دشمن است که در آن ادعای ایشان را تهمت و بلکه بدعت می‌شمارد.

## دند / jnb / جنب

بسیاری از واژه‌نامه‌های تطبیقی برای این ریشه معادل عربی «جنب» به معنی «سمت، کنار، ضلع» قرار داده‌اند.<sup>۲۲</sup> در هر دو زبان عربی و عبری، مشتقات فعلی آن در حوزه معنایی «کنار نهادن، دور کردن، به حاشیه راندن» به کار رفته است: «وَ اجْتَبِئِي وَ بِنِي أَنْ نَعْبُدَ الأصنام» (ابراهیم / ۳۵)؛ در کتاب ایوب «مثل کاه، طوفان مرا پراکنده می‌کند ٤٦٦ / g'nābattū»؛ (۲۱: ۱۸) همین‌طور «أجنبي» که به شخص بیگانه یا غریبه گفته می‌شود.

در کنار این، در عبری یک توسعه معنایی رخ داده و به طور گسترده این ریشه در معنای «دزدیدن» به کار رفته است. در تورات مشتقات آن فراوان استعمال شده است. (پیدایش ۳۱: ۱۹، ۳۰؛ تثنیه: ۲۴: ۷؛ دوم سموئیل ۱۹: ۴۲) محل بحث، ترجمه یک عبارت در سفر پیدایش ۴۰: ۱۵ است. یوسف پس از تعبیر خواب ساقی، از او خواست نزد

۱۸. فراهیدی، العین، ج ۸، ص ۸۳.

۱۹. قبانی تا سبزشوم از عشق، ترجمه موسی اسوار، ص ۲۱۶.

۲۰. همین‌طور رک به: Gesenius, p. 103; BDB, p. 94.

۲۱. نحمیا ٤٦٦ / Nehemiāh در لغت به معنی «یهوه تسلی می‌دهد»؛ yāh / ٤٦٦ «یا، یه» شکل مخفف «یهوه»، نک: خروج، ۱۵: ۲.

22. Gesenius, p. 176; BDB, p. 170.

مشکور، فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی، ج ۱، ص ۱۵۴.

فرعون از وی یاد کند. سپس در بی گناهی خود این جمله را گفت: **כִּי-גִנַּבְתִּי מֵאֶרֶץ הָעִבְרִים / ki Junnōb junbtī me' ereth hā' ibrīm**.

با بررسی ترجمه هایی که در اختیار داشتیم، روشن شد، عموم مترجمان فعل این جمله را در معنای دوم آن، یعنی دزدیدن به کار بردند. برای نمونه برخی از ترجمه های مهم چنین است:

Lutherbible: Denn ich bin aus dem Lande der Hebräer heimlich gestohlen, (1912),

Webster: For indeed I was stolen away from the land of the Hebrews (1833),

ASV: for indeed I was stolen away out of the land of the Hebrews (1952),

عربی: لِأَنِّي قَدْ سُرِّقْتُ مِنْ أَرْضِ الْعِبْرَانِيِّينَ (م ۱۸۶۵)،

ترجمه قدیم: زیرا که فی الواقع از زمین عبرانیان دزدیده شدم (م ۱۸۹۵)

ترجمه پورداود: زرگری: چون که حقیقتاً در سرزمین عبرانیان دزدیده شده ام (م ۲۰۰۸)

ترجمه پیروز سیار: از سرزمین عبرانیان ربوده شدم (۱۳۹۳ ش)

اشکال اینجاست که این معنی با جمله بعدی یوسف «و اینجا نیز کاری نکرده ام که مرا در سیاه چال افکنند» سازگاری مفهومی ندارد. در اینجا یوسف بر بی گناهی خود اصرار داد، پس می بایست با عبارت نخست نیز تناسبی داشته باشد. می توان گفت با توجه به توضیحی که در معنای پایه ای این ریشه در عربی گفته آمد و برخی استعمال های نزدیک آن در عبری، ترجمه فعل **גִנַּבְתִּי** در سخن یوسف به «رانده شدن، مطرود شدن» درست تر می نماید.

آقای لوتار کوپف این ترجمه آلمانی را پیشنهاد می کند:

Denn (sculdlos) wurde ich aus dem Lande der Hebräer verstossen, und auch hier habe ich nichts verbrochen.

براین اساس ترجمه پیشنهادی در فارسی چنین می شود: «از سرزمین عبرانیان رانده شدم و اینجا نیز کاری نکردم که به زندانم افکنند».

### کتاب علی / kātab ' al / کَتَبَ عَلِي

تعبیر «کتاب علی» به معنی «واجب گردانیدن، مقرر کردن» فراوان در زبان عربی و به تبع آن در قرآن استفاده شده است. برخی از شواهد قرآنی آن چنین اند:

كَمَا كَتَبَ عَلِيٌّ الذِّينَ مِنْ قَبْلِكُمْ. (بقره: ۱۸۳)

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ. (بقره: ۲۱۶؛ نساء: ۷۷)

كُتِبَ عَلَيَّ نَفْسُهُ الرَّحْمَةِ. (انعام: ۱۲، ۵۴)

و همین طور در آل عمران: ۱۵۴، مائده: ۳۲ و حج: ۴ نمونه هایی از این کاربرد را می توان دید.

همین ترکیب در عبری و تورات نیز به کار رفته است، مانند:

الف) «تا موافق هر آنچه درباره ما مکتوب است **הַכְּתוּב עָלַיִנִי / hakātūb ' āleinū**، عمل نمایند»؛ (دوم پادشاهان ۲۲: ۱۳)

ب) «چرا که تلخکامی ها را بر من مقرر می کنی **הַכְּתוּב עָלַיִ / tiktob ' āli**». (ایوب ۱۳: ۲۶)

### قبض / qbts / قَبِضْ

در قاموس های مختلف برای ریشه عربی «قبض» به معنای «جمع کردن، بستن» معادل qbts / قَبِضْ قرار داده شده



است.<sup>۲۳</sup> به لحاظ معناشناسی برخی از کاربردهای این ریشه عربی با ریشه qpts / קִּטְּס / نیز مطابقت دارد. در این باره این قاموس‌ها برای این ریشه اخیر عبری معادل عربی «قبض» را ذکر کردند که به لحاظ فونتیک همسان‌اند، اما با «قبض» مترادف است. یکی از مصادیق روشن این تطابق معنایی در قرآن و سفر تثنیه دیده می‌شود:

«[انسان‌های دو چهره] دست‌های خود را از انفاق فرومی‌بندد: **يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ**». (توبه: ۶۷)

«دست خویش را بر برادر فقیر خود مبنده **קָבַץ** - **קָבַץ** / **קָבַץ** - **קָבַץ** / **קָבַץ** et **yādkhā** (تثنیه ۱۵: ۷)

می‌توان به تحلیل کوپف این را نیز افزود که حرف p در زبان‌های سامی، در عربی با اندکی نرمی به «ف» و کمتر «ب» تبدیل می‌شود، مانند: **sapun** در آرامی که در عربی «صابون» گفته می‌شود. امروز نیز بسیاری از واژگان بیگانه که متضمن حرف p می‌باشند، در عربی به ف / ب تبدیل می‌شوند.<sup>۲۴</sup>

### دلم / klm / کلم (سخن گفتن / آزار رساندن)

شاید چنین نماید که معنای متبادر از ریشه «کلم» در عربی «سخن گفتن» است، اما این ریشه متضمن معنای «زخم زدن، آزار و اذیت کردن» نیز هست. از این رو قاموس‌های تطبیقی در کنار معنای نخستین که برای «کلم» قائل هستند، آن را در مقابل **دلم / klm** قرار دادند که به «توهین کردن، به‌سخره گرفتن» دلالت دارد.

به نظر می‌رسد استفاده از این معنای عربی در ترجمه دو عبارت از تورات به کار آید که تا کنون نادیده گرفته شده است [لازم به ذکر است که اشاره نویسنده به ترجمه آلمانی است؛ از جمله ترجمه مارتین لوتر **Lutherbible**،<sup>۲۵</sup> اما خوشبختانه در ترجمه‌های فارسی این دقت رعایت شده است].

«به شبانانی که نزد ما بودند آزار نرسانیدیم **לֹא הִקְלַמְנוּם** / **lō hekhlamnūm**». (اول سموئیل ۲۵: ۷)

«و در آن زمین صاحب اقتداری نبود که اذیت رساند **אֵין-מְקַלֵּים דְבָר** / **ve' yn maklim dābār**». (داوران ۱۸: ۷)

این بررسی نویسنده ما را به تأمل در ترجمه فارسی آیه ۸۲ سوره نمل وامی‌دارد:

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ.

عموم ترجمه‌های فارسی که ملاحظه شد، «تُكَلِّمُهُمْ» در آیه را «سخن گفتن» ترجمه کردند؛ برای مثال ترجمه آقای فولادوند چنین است:

... جنبنده‌ای را از زمین برای آنان بیرون می‌آوریم که با ایشان سخن گوید ...

می‌دانیم که این آیه از جهات مختلفی محل بحث بوده است. از هویت آن جنبنده، برخی تطبیق‌ها در روایات شیعی تا شرح علائم آخرالزمان که در کتب روایی تفسیری معرکه آراست؛ در اینجا به تناسب بحث تنها از بُعد معناشناسی به بررسی کوتاه فعل «تُكَلِّمُهُمْ» بسنده می‌کنیم. البته این تحلیل می‌تواند به دیگر مباحث مطرح نیز پرتوافکند.

<sup>۲۳</sup>. از جمله:

Gesenius, p. 721; BDB, p.867.

مشکور، فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی، ج ۲، ص ۶۷۱.

<sup>۲۴</sup>. برای تفصیل این موضوع رک به:

O'Leary, De Lacy, *Comparative Grammar of the Semitic Languages*, 1923, p. 62

<sup>۲۵</sup>. ترجمه لوتر چنین است:

wir haben sie nicht verhöhnt.

و ترجمه پیشنهادی کوپف:

Wir taten ihnen nichts zuleide.

برای استعمال ریشهٔ klm در اوگاریت شاهدهی یافت نشده، اما این ریشه در دیگر زبان‌های سامی در حوزهٔ معنایی گسترده‌ای به کار رفته است: عبری و آرامی به معنی «شرم‌نده کردن / سرزنش و شماتت کردن»، در سریانی به معنی «دزدیدن» و در عربی معنی «آسیب زدن، صدمه وارد کردن»، در عربی جنوبی «بد تا کردن با کسی / ستم کردن» به کار رفته است.<sup>۲۶</sup> در عربی این ریشه در معنای «سخن گفتن» نیز به کار رفته است، اما کماکان همان معنای نخست نیز کاربرد داشته و دارد. قاموس‌های عربی مملو از شواهد فراوانی در این رابطه‌اند:

«كَلَمْتُهُ» أَيْ «جَرَحْتُهُ».<sup>۲۷</sup>

به محل زخم مار «کِلما» گفته می‌شود.<sup>۲۸</sup>

کلم: به معنای «جرح: زخم» که به صورت «کُلوم / کِلام» جمع بسته می‌شود.

در حدیث آمده: «إِنَّا نَقُومُ عَلَى الْمَرْضَى وَنُداوِي الْكَلْمَى».<sup>۲۹</sup>

از سوی دیگر وجود اختلاف قرائت در آیه را نیز نباید نادیده گرفت. ابن خالویه در اعراب القراءات السبع و عللها آورده:

إلا ابن عباس، فإنه قرأ «أخرجنا لهم دابةً تكلمهم» مخففاً، أي تسمهم، تجرحهم. تقول العرب: كلمت زيدا، أي جرحته.<sup>۳۰</sup>

هر چند برخی از لغت‌شناسان صرف نظر از اختلاف قرائت موجود، در همین قرائت مشهور، یعنی در باب تفعیل به صورت «تُكَلِّمُهُمْ» نیز معنای «مجروح کردن» را محتمل دانسته‌اند؛ همان‌طور که ریشهٔ «جرح» چه به صورت «تَجْرَحُهُمْ» و چه هنگامی که به باب می‌رود «تُجْرَحُهُمْ» به یک معنی است.<sup>۳۱</sup>

در میان ترجمه‌های غربی تا جایی که اطلاع داریم، تنها برخی از مترجمان به اختلاف معنایی در این آیه توجه کرده‌اند. البته این بررسی هنوز کامل نیست و نتایج به دست آمده مبتنی بر منابع محدودی است که فعلاً در دسترس راقم این سطور بود. در میان ترجمه‌های آلمانی صدرالدین احمدیا چنین آورده:

Wir für sie einen Keim aus der Erde hervorbringen, der sie **stechen** soll, weil die Menschen an Unsere Zeichen nicht glaubten.<sup>۳۲</sup>

فعل *stechen* به معنی «گزیدن، نیش زدن» به طور خاص در مورد حیوانات و حشرات گزنده استفاده می‌شود.

و در ترجمه‌های انگلیسی، محمدشاکر:

We shall bring forth for them a creature from the earth that shall **wound** them, because people did not believe in Our Communications.

در انگلیسی نیز *wound* هم معنی فعلی «زخمی کردن، مجروح کردن» و هم معنی اسم «زخم، جراحت» دارد. با این توضیح، ترجمهٔ پیشنهادی برای این بخش از آیه در فارسی چنین است:

جنبنده‌ای را از زمین برای آنان بیرون می‌آوریم که برایشان داغ می‌نهد. به راستی که مردم به نشانه‌های ما یقین نداشتند.

روایات متعددی که کارکرد این «جنبنده» را توضیح می‌دهند، از جمله اینکه برپیشانی کافران داغ و نشان می‌نهد،

26. TDOT, v. 7, p. 185

۲۷. فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۳۷۸.

۲۸. ابن سیده، المحکم والمحیط الأعظم، ج ۷، ص ۵۲.

۲۹. زبیدی، تاج العروس، ج ۱۷، ص ۶۲۵.

۳۰. ابن خالویه، اعراب القراءات السبع و عللها، ج ۲، ص ۱۶۵ و همین‌طور رک به: اعراب القرآن نحاس، ج ۳، ص ۱۵۲.

۳۱. زبیدی، تاج العروس، ج ۱۷، ص ۶۲۵.

۳۲. نرم‌افزار نور، ذیل آیه.

می‌توانند تأیید این ترجمه باشند. نکته دیگر اینکه عبارت پایانی آیه «أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَئِيْقِنُونَ» مقول قول دأبه الأرض نیست. (بسیاری از مترجمان آن را نادیده گرفتند)؛ چه اینکه براساس نحو عربی در این صورت می‌بایست با «إِنَّ» شروع می‌شد و عدول از این قاعده نیازمند تقدیرگرفتن در عبارت است. این مسئله در تفاسیر ادبی مورد توجه بوده است.<sup>۳۳</sup> به هر روی آنچه مطرح شد در نهایت اختصار بود و تفصیل این بحث مقاله‌ای مجزا طلب می‌کند.

### הוחל / hvhl / حول؛ קוה / qvh / قوة

ریشه فعلی קוה / qvh به معنای «انتظارداشتن، امیدبستن» و در شکل اسمی הַקְוָה / tiqvāh به معنی «آرزو، امید» در پیوند با ریشه عربی «قوی» به معنای «قوی بودن» و در حالت اسمی «قوة» به معنای «نیرو و توان» است. به همین ترتیب הוחל / hvhl به معنای «منتظر بودن» و הוחלת / tôhelet به معنای «انتظار، آرزو» را می‌توان با «حول» به معنای «توانایی، نیرو» مطابق دانست؛ همان‌طور که این دو واژه عربی در عبارت معروف «لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» مترادف هم به کار رفته‌اند، معادل‌های عبری آنها نیز در عهد عتیق در تناظر با هم قرار دارند، مانند: الف) «انتظار הוחלת / tôhelet عادلان شادمانی است، اما امید תקנת / tiqvāt شریران ضایع خواهد شد». (امثال ۲۸: ۱۰)

ب) «والآن ای خداوند برای چه منتظر קויתי / qiviti باشم؟ امید من הוחלתי / tôhalti بر تومی باشد». (مزامیر ۸: ۳۹ [ترجمه فارسی ۷])

باید توجه داشت که יחל / yhl در بالا شکل دیگر חיל / hyl به معنی «قدرت، نیرو، توان» می‌باشد، همان‌طور که قاموس‌ها به درستی آن را در مقابل «حول» عربی ذکر کردند.

